

# گفتگو با دکتر علی ثقفی

## آموزش حسابداری در ایران؛ گذشته، حال و آینده

**دکتر علی ثقفی برای اهل حرفه حسابداری در ایران چهره و نامی آشناست که طی چند دهه گذشته حضوری فعال در عرصه آموزش حسابداری داشته است. نقش برجسته دکتر علی ثقفی در تلاشهای خستگی ناپذیر وی برای ایجاد نقطه عطفی در آموزش حسابداری ایران است؛ تلاشهایی که به ظهور نسل جدید و خلاق از دانش‌آموختگان اندیشه‌ورزان حسابداری در ایران انجامیده است. نظر به جایگاه ویژه دکتر علی ثقفی در صحنه آموزش حسابداری ایران، بر آن شدیم تا گفتگویی در باب گذشته، حال و**

آینده آموزش این رشته در ایران با ایشان ترتیب دهیم. حاصل کار، نوشتاری است که در ادامه تقدیم می‌شود.

### حسابرس

حضور جنابعالی را خیر مقدم می‌گوئیم و از این که دعوت ما را پذیرفتید، سپاسگزاریم. از آنجا که موضوع محوری این گفت‌وگو، **آموزش حسابداری** کشورماست در آغاز، می‌پرسیم، به نظر شما در گذشته کدام دانشگاه‌ها یا مؤسسات آموزش عالی در این عرصه اثرگذار بوده‌اند؟

### دکتر ثقفی

قطعاً **دانشگاه تهران و دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت نفت** از اولین مراکز آموزشی بودند که سهم در خور توجهی در رشد آموزش حسابداری داشتند. در واقع، دانشگاه تهران اولین دانشگاهی بود که رشته حسابداری را به همت **دکتر فضل‌الله اکبری** برپا کرد. در همان برهه از زمان، حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری خارجی در شرکت

ملی نفت ایران انجام شده بود که ایجاب می‌کرد حسابداران کاردان و دانش‌آموخته برای ثبت و گزارشگری معاملات و رویدادهای مالی دستگاه غول‌آسای صنعت نفت تربیت شوند. بر پایه همین واقعیت، دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت نفت به‌دنبال دانشکده علوم اداری دانشگاه تهران تأسیس شد. چندی بعد **موسسه عالی حسابداری** به همت **دکتر عزیز نبوی** شکل گرفت و منشأ خدمات ارزنده‌ای در امر آموزش حسابداری گردید. شاید مهمترین خدمت این موسسه، که می‌توان حتی از آن به‌عنوان یکی از نقاط عطف در حیات آموزش حسابداری نام برد، ورود دانش‌آموختگان آن به بخش خصوصی بود؛ زیرا در آن زمان، بیشتر دانش‌آموختگان دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت نفت به‌استخدام وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت نفت یا دیگر

وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی در می‌آمدند. پس از دانشگاه تهران، سایر دانشگاهها نیز با یک یا دو دهه تأخیر، سرانجام رشته حسابداری را دایر کردند که از آن میان می‌توان به دانشگاه ملی سابق و مدرسه عالی بازرگانی اشاره کرد. بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، مدرسه عالی بازرگانی به **دانشگاه علامه طباطبایی** تغییر نام داد و این دانشگاه در گذشته و حتی امروز سهم درخور توجهی در آموزش حسابداری ایفا کرده است؛ چرا که تمرکز آن عمدتاً بر رشته‌های علوم انسانی بوده است. در واقع، چنین شرایطی موجب شد همگان انتظار متفاوتی از این دانشگاه داشته باشند. در آن زمان، این تصور وجود داشت که چون دانشگاه تهران بیشتر بر رشته‌های فنی و پزشکی متمرکز است و گروه‌ها و دانشکده‌های پرشماری دارد بنابراین به رشته حسابداری

# مرحوم سجادی نژاد در راس کسانی بود که کوشیدند آموزش حسابداری را بومی کند

شاگردانش، کتابهایی براساس منابع و مآخذ آمریکایی ترجمه و تألیف کردند که آنها نیز در نوع خود بی نظیر بودند.

کتاب دو جلدی **اصول حسابداری** دکتر عزیز نبوی که ترجمه یکی از ویراستهای دهه ۱۹۵۰ کتاب معروف حسابداری رابرت میگز و والتر میگز بود به لحاظ شیوایی و روانی قلم یک شاهکار به حساب می آید. شاید این کتاب توانسته باشد مهمترین سهم را در بومی کردن آموزش حسابداری ایفا کند. اما اجازه دهید منصفانه قضاوت کنیم، ما تا کنون فقط دانش وارداتی را بومی کرده ایم. به عبارتی، ما هیچ برگه‌ای به دانش حسابداری نیفزوده ایم. به هر حال، اکنون ترجمه‌ها و آثار نوشتاری ما عمدتاً برگرفته از منابع کشورهای انگلیسی زبان بویژه آمریکا و انگلستان است.

## حسابرس

به نظر می‌رسد که تقارن آثار دکتر عزیز نبوی و مرحوم حسن سجادی نژاد که کارهای اولی مبتنی بر منابع آمریکایی و کارهای دومی بر پایه کتابهای انگلیسی خلق می‌شد، به بومی کردن آموزش حسابداری کمک شایانی کرده باشد. اما آیا این مناسب‌ترین راه برای خلق دانش حسابداری در ایران بود؟

## دکتر ثقفی

هیچ اشکالی ندارد که بگوییم حسابداری وارداتی است. نمی‌توان انکار کرد که آموزش حسابداری از راه ترجمه اندیشه‌ها و دانش خارجیها وارد شده است. ما نمی‌توانستیم از صفر شروع کنیم. باید به سراغ نوشته‌ها و دانش روز جهان می‌رفتیم و این مختص حسابداری نبوده است. هنوز هم باید چنین کنیم. چرا که در آن سوی مرزها، سرعت رشد، بالندگی و انباشت علم حیرت‌انگیز است؛ و اساساً دانش حسابداری در خارج از مرزهای ایران تولید می‌شود. اما باید اعتراف کرد که در ترجمه تا اندازه‌ای زیاد روی شده است. از این روست که هنوز هم دانش حسابداری در میان دانشهای دیگر آن چنان که باید و شاید، شناخته نشده و هنوز تازه وارد به حساب می‌آید.

کمر اهمیت می‌دهد.

پس از بازگشایی دانشگاهها، عصر جدید آموزش در عرصه حسابداری شروع شد. دانشگاه شهید بهشتی به لحاظ حضور تنی چند از استادان جوان و تازه نفس توانست منشا خدمات ارزنده‌ای باشد. دانش‌آموختگان این دانشگاه بر پایه آخرین منابع روز دنیا که بخشی از آنها از جمله نشریه‌های سازمان حسابرسی بودند، تعلیم یافتند و روانه عرصه صنعت و تجارت، موسسه‌های حسابرسی و دوره‌های تحصیلات تکمیلی شدند. در این دوره، **دانشگاه الزهرا** نیز در کنار دیگر دانشگاهها بتدریج رشد کرد و در حال حاضر جزو بهترینهاست. **دانشگاه شهید چمران اهواز** و **دانشگاه مازندران** نیز طی سالهای اخیر از رشد نسبتاً خوبی برخوردار بوده‌اند و آینده بهتری نیز در انتظار آنهاست. اما پیش‌بینی می‌کنم که در آینده نزدیک شاهد رشد چشمگیر **دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین**، **دانشگاه اصفهان** و **دانشگاه شیراز** باشیم و از این میان، به نظر می‌رسد دانشگاه شیراز از وضع بهتری برخوردار باشد؛ امیدوارم این دانشگاه، بتواند با همت و تلاش **دکتر محمد نمازی** یک مجله علمی- پژوهشی حسابداری نیز تهیه و منتشر کند.

## حسابرس

تردید نیست که سرمایه‌گذاری خارجی، به‌ویژه در صنعت نفت، نیاز به آموزش حسابداری و برپایی مراکز آموزشی در ایران را پدید آورده است. آیا انگیزه‌ها و ساز و کارهایی که به شکل‌گیری دوره‌های آموزشی حسابداری در ایران منجر شد، زاینده واقعیت‌های موجود در اوضاع و احوال اقتصادی آن زمان بود یا بنا به ضرورت، همراه با سرمایه‌گذارها به وجود آمد؟

## دکتر ثقفی

مسلماً با تأسیس شرکت ملی نفت ایران و انعقاد قراردادهای نفتی با کشور انگلستان، ضرورت دقت‌داری و حسابداری نوین مطرح شد. در آن زمان، هنوز در کشور ما حسابداری

دو طرفه رایج نبود و ثبت‌های حسابداری به‌صورت یک طرفه انجام می‌شد. از جمله بزرگانی که تلاشهای مهمی جهت اعتلای حسابداری در ایران به‌عمل آوردند، مرحوم **طباطبایی** بود. ایشان موفق شد حسابداری دولتی نوین را در سازمان سلف وزارت امور اقتصادی و دارایی امروز پایه‌گذاری کند و به اجرا در آورد.

اما بخش اصلی فعالیتهای نفتی با مشارکت انگلیسی‌ها در جنوب کشور متمرکز بود. در نتیجه، بنا به احتیاج، همه‌ساله تعدادی از جوانان پس از آموختن مختصری حسابداری و زبان انگلیسی برای ادامه تحصیل روانه انگلستان می‌شدند. مرحوم **حسن سجادی نژاد** جزء اولین گروههایی بود که به این سفر تحصیلی رهسپار شد. این جوانان پس از گذراندن یک دوره آموزشی دو ساله به ایران باز می‌گشتند و مدتی در شرکت ملی نفت ایران کار می‌کردند و باز برای طی مدارج بالاتر به انگلستان می‌رفتند.

به نظر می‌رسد از همین دوران بود که حسابداری دو طرفه نوین به ایران راه یافت. بنابراین اگر بگوییم آموزش حسابداری امری وارداتی است، درست گفته‌ایم. با وجود این بتدریج عده‌ای از آن جوانان که بعد مردانی فرهیخته و آرموده بودند، کوشیدند آموزش حسابداری را بومی کنند. مرحوم سجادی نژاد در رأس آنان قرار داشت. اگر چه دانش حسابداری وارداتی بود و هیچ اقدام قابل ملاحظه‌ای در داخل انجام نمی‌شد، اما وی با عشق و علاقه و زحمات شبانه‌روزی، کتابهایی را با الهام از منابع انگلیسی در زمینه حسابداری مالی و حسابداری صنعتی در انطباق با محیط قانونی و اقتصادی ایران تألیف کرد. بعدها هم دکتر عزیز نبوی، بانی موسسه عالی حسابداری، و تنی چند از

اما این مدت در قیاس با عمر دانش حسابداری بسیار کوتاه است و باید صبر را پیشه کنیم. با توجه به تعدد مراکز آموزشی حسابداری حال حاضر، پیش‌بینی می‌کنم که در آینده جوانهایی به این عرصه گام بگذارند و بتوانند با تلاش و

همت خود، وارداتی بودن دانش حسابداری را تا حدودی تعدیل کنند. از طرف دیگر، هر روز بیش از پیش نظام اقتصادی کشورمان به اقتصاد کشورهای غربی شبیه‌تر می‌شود، و همین امر سبب می‌گردد تا فنون و نظریه‌های ترجمه شده، کاربرد بیشتری پیدا کنند. درست است که هم اکنون در کتابهای حسابداری مالی پایه، میانه و پیشرفته و حتی کتابهای حسابداری صنعتی و سایر منابع درسی، مطالبی ترجمه و ارائه شده است که مصداق آنها اصلاً در ایران وجود خارجی ندارد؛ اما، آنها را ترجمه کرده‌ایم و پیش‌بینی می‌کنیم که این متون بخشی از اسباب و لوازم اقتصاد امروز و آینده‌اند و بتدریج به کار خواهند آمد. بنابراین، من از ترجمه و وارد کردن دانش حسابداری تعبیر بدی نمی‌کنم؛ تردید نکنید که تنها از این رهگذر می‌توانستیم و می‌توانیم صاحب دانش و فن بومی شویم. با این حال، از صمیم دل آرزو می‌کنم که تعدادی از دانش‌آموختگان بخصوص جوانان به تألیف کتابهای حسابداری روی آورند.

## حسابرس

به گذشته که نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که شیوه برگزاری و محتوای برنامه‌های آموزشی دروس گوناگون حسابداری از قوانین و مقررات خاصی پیروی کرده است. کدام سازمانها و تشکیلات در این زمینه اثرگذار بوده‌اند؟

## دکتر ثقفی

پیش و پس از انقلاب، عمدتاً برنامه‌های درسی رشته حسابداری با استفاده از برنامه‌های آموزشی یک یا چند دانشگاه آمریکایی نوشته می‌شد. برای نمونه، اگر به

دکتر علی وثوق نشستهای متعددی با مرحوم حسن سجادی‌نژاد و دیگر همکاران برگزار کرد. اما در میان دیدگاهها و آرای آنها اختلاف نظر بسیار وجود داشت که برای حل آن ساعتها و هفته‌ها بحث شد. به هر حال،

حاصل کار همین برنامه‌ای شد که هنوز هم معتبر است و مبتنی بر برنامه‌های درسی دهه ۱۹۷۰ چند دانشگاه آمریکایی و انگلیسی است.

البته انتظار می‌رفت که برنامه‌های دروس تخصصی، مطالبی در زمینه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای مانند سامانه‌های اطلاعاتی حسابداری و سامانه‌های اطلاعاتی مدیریت را نیز شامل شود؛ چرا که از این طریق دانشجویان می‌توانند ضمن آشنایی با سامانه‌های ماشینی، زمینه‌های کاربردی آنها را نیز فرا گیرند. البته دو درس پایه‌ای در حدود ۶ واحد برای رایانه در نظر گرفته شد، اما به هیچ وجه کافی نبود و از آنجا که با سایر دروس تخصصی، هماهنگی نداشت، از کارایی لازم برای استفاده در زمینه‌های تخصصی بی‌بهره بود. به هر حال، در آن زمان افزودن ۳ تا ۱۰ واحد درس رایانه‌ای تخصصی مانند سامانه‌های اطلاعاتی حسابداری چندان مشکل نبود، اما سخت‌افزار آموزشی مناسب وجود نداشت. هنوز استفاده از رایانه‌های نسل اول در دانشگاهها رایج بود و اینها با آموزش این دروس نوین تناسب نداشتند. به عبارت دیگر دانشگاهها فقیر بودند. امروز هم این نیاز احساس می‌شود و متأسفانه هنوز هم دانشگاهها نمی‌توانند سخت‌افزار لازم را تدارک ببینند. از این رو، در حال حاضر هم که دانشجویان با نظریه‌ها آشنا می‌شوند، و کاریست این نظریه‌ها به عمل را هم خوب می‌دانند، اما ابزار لازم در اختیار آنها قرار نمی‌گیرد. در سالهای اخیر، می‌توان گفت که تنها دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت نفت از بنیه مالی مناسبی برخوردار بوده و توانسته است به اندازه کافی رایانه تهیه کند و

گذشته برگردیم و به برنامه‌های درسی مؤسسه عالی حسابداری نظری بیندازیم، به وضوح می‌بینیم که میان این برنامه و دروس رشته حسابداری دانشگاه کالیفرنیا جنوبی در آن زمان تفاوت چندانی وجود ندارد؛ به نحوی که وقتی دانش‌آموختگان این موسسه برای ادامه تحصیل به آمریکا می‌رفتند، متوجه می‌شدند که تقریباً همان دروس را قبلاً به زبان مادری خویش خوانده‌اند و اگر به زبان انگلیسی تسلط داشتند، گذراندن دوره‌ها برایشان بسیار آسان بود. از سوی دیگر، برنامه دروس دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت نفت بیشتر برگرفته از منابع انگلیسی بود؛ با این تفاوت که این دانشکده بر خلاف دیگر دانشگاهها، مقاطع تحصیلی را به صورت سالی- واحدی برگزار می‌کرد. به هر حال، هر مرکز دانشگاهی می‌توانست برنامه‌های درسی خود را رأساً تدوین کند.

در دوره‌های انقلاب فرهنگی، وزارت علوم و آموزش عالی موظف شد برنامه‌های درسی یکپارچه‌ای را برای دروس تمام رشته‌های تحصیلی صورتبندی کند. بعدها این مسئولیت به شورای عالی برنامه‌ریزی واگذار شد. کار بدین صورت انجام شد که از استادان برجسته هر رشته دعوت می‌شد تا برنامه دروس تخصصی، شامل هدف هر درس، عنوانها، پیش‌نیازها و دیگر موارد در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری را ارائه دهند. در اینجا بد نیست یادی از **دکتر علی وثوق** بکنیم. خدایش بیامزد. مسئولیت رشته حسابداری به وی واگذار شد. او و همکارانش در ستاد انقلاب فرهنگی زحمات زیادی برای تدوین برنامه‌های درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد متحمل شدند. مرحوم

دوره‌های آموزشی رایانه‌ای را برای دانشجویان حسابداری ترتیب دهد. به‌همین دلیل دانشجویانی که طی یک دهه گذشته در آنجا دانش آموختند در حد مناسبی با رایانه آشنا شدند.

### حسابرس

اجازه دهید اندکی پرسش قبلی را گسترده‌تر مطرح کنیم. برنامه‌های درسی رشته‌های دانشگاهی در هر کشور متأثر از محیط اقتصادی و آموزشی آن است. همان‌طور که شما در گفته‌هایتان اشاره کردید پیش و پس از انقلاب اسلامی، برنامه‌های دروس تخصصی حسابداری از دانشگاه‌های معتبر آمریکا و انگلستان اقتباس شده است، اما محیط اقتصادی و آموزشی ما با آنها متفاوت بوده است. بر این اساس، آیا برنامه فعلی نیاز به تغییر ندارد؟

### دکتر ثقفی

قطعاً محیط اقتصادی بر دانش حسابداری تأثیر می‌گذارد و از آن نیز تأثیر می‌پذیرد. بی‌شک برنامه‌های درسی دانشگاه‌های انگلستان و آمریکا برگرفته از محیط اقتصادی آنهاست. به‌همین علت شاهدیم که نیازهای صنایع، واحدهای تجاری و اساساً نگاه‌های اقتصادی به دانشجویان حسابداری، آموزش داده می‌شود. آموخته‌های آنها نیز به‌طور کامل به کار بنگاه‌های اقتصادی می‌آید و از این حیث، میان برنامه‌های درسی و محیط اقتصادی سازگاری برقرار است. ما نیز قاعدتاً باید این سازگاری را برقرار کنیم؛ یعنی باید برنامه‌های درسی حسابداری را بر اساس نیازهای استفاده‌کنندگان از اطلاعات حسابداری تنظیم کنیم. اما عملاً مشکلاتی مانع از انجام این کار می‌شود.

### حسابرس

آیا برای توسعه دانش حسابداری در ایران نباید به‌فکر تغییر محتوای برنامه‌های درسی کنونی باشیم؟

### دکتر ثقفی

چرا؛ باید سهم نظریه‌ها را در آموزشمان بالا ببریم. باضافه، باید نظریه‌های معتبر را خوب بشناسیم. صورت‌بندی نظریه‌ها اقدامی به‌واقع طاقت‌فرسا و زمان‌گیر است و به‌انسانهایی باهوش و سخت‌کوش نیاز دارد. تا زمانی‌که نتوانیم نظریه‌پردازی کنیم باید از نظریه‌های موجود برای تبیین و پیش‌بینی عمل موجود یا عمل آینده در ایران استفاده کنیم. به‌کارگیری نظریه‌های موجود بهتر از آن است که اساساً هیچ نظریه‌ای در اختیار نداشته باشیم. ما چاره‌ای نداریم جز این که از نظریه‌های موجود استفاده کنیم. کشورهای دیگر هم به‌وضع ما دچارند. با اینکه اقتصاد مالزی، تایلند، تایوان، کره و چین در مقایسه با اقتصاد ایران بسیار کاراتر است اما آنها هم عمدتاً از نظریه‌های معتبر دانشمندان



**اقتصادی بر دانش  
حسابداری تأثیر  
می‌گذارد و از آن  
نیز تأثیر می‌پذیرد**

آمریکایی و انگلیسی و دیگر کشورهای انگلیسی‌زبان سود می‌برند. ما هم باید به این مسئله اهمیت بدهیم و تا آنجا که می‌توانیم بکوشیم برنامه‌های درسی را در انطباق با آخرین نظریه‌های موجود تغییر دهیم.

### حسابرس

ناسازگاری مطلق یا دست کم سازگاری اندک عمل حسابداری در ایران با برنامه‌های درسی حسابداری تا چه حد بر اثربخشی دوره‌های آموزشی دانشگاهی، تأثیر منفی گذاشته است؟

### دکتر ثقفی

در ایران به‌دلیل همان فرایند وارداتی بودن دانش و علم، معمولاً آموزش ما جلوتر از صنعت و عمل حرکت می‌کند. به‌عبارت دیگر، دانشجویان معمولاً آموخته‌هایی دارند که با یک تأخیر زمانی ۵ تا ۱۰ ساله به عرصه عمل راه می‌یابند یا اصلاً به آن راه نمی‌یابند. به‌عبارت دیگر، در آنجا ابتدا مسائل و مشکلات در عرصه صنایع و کسب و کار و تجارت بروز می‌کند و به‌دنبال آن، کوشش سترگی صورت می‌گیرد تا آنها را به‌نحوی حل و فصل کنند؛ سپس حاصل یافته‌ها و دستاوردهای صنعت و تجارت به دانشگاه وارد می‌شود. در دانشگاه، ابتدا با تکیه بر این یافته‌ها و دستاوردها، نظریه‌های مطرح شده را صورت‌بندی و نتیجه آنها را به صورت مقاله در مجلات علمی منتشر می‌کنند، سپس درباره آنها بحث و مجادله در می‌گیرد، مباحث پرورش می‌یابند، و سرانجام نظریه‌ها و روش‌های عملی معتبر و کاربردی به کتابها راه پیدا می‌کند و در همین راستا، صنایع کوچک نیز که توان اجرای پروژه‌های عظیم پژوهشی را ندارند، می‌توانند با صرف هزینه بسیار اندک، یعنی از طریق خرید کتاب، به این دانش عظیم که جنبه عمومی دارد، دست یابند.

در ایران، وضع بدین منوال نیست. من امیدوارم که در این دنیای کاملاً رقابتی، دست کم در برخی از شاخه‌ها این روال که مشخصه

# انجمن علمی حسابداری از مهرماه ۱۳۸۱ رسماً فعالیتش را آغاز خواهد کرد

## حسابرس

در بسیاری از کشورهای جهان، بویژه در انگلستان و آمریکا، مجامع دانشگاهی حسابداری نقش موثری را در عرصه پژوهش و آموزش ایفا می‌کنند. آیا در ایران مجامع دانشگاهی حسابداری مشابهی در گذشته وجود داشته است؟ آیا هم اکنون چنین مجامعی وجود دارد؟ یا در آینده نزدیک شکل خواهد گرفت؟

## دکتر ثقفی

اجازه دهید از زاویه‌ای دیگر به پرسش شما پاسخ دهم. در ایران، معمولاً مجامع دانش‌آموختگان شکل می‌گرفت اما کمتر به کار آکادمیک حرفه‌ای می‌پرداخت. پیش از انقلاب اسلامی، انجمن حسابداران رسمی ایران، به‌موجب قانون مالیات‌ها به‌وجود آمد. این انجمن مدتی فعالیت کرد، اما پس از انقلاب برچیده شد. اعضای آن همگی از دانش‌آموختگان دانشگاه بودند. بعدها اینها گرد هم آمدند و **انجمن حسابداران خبره ایران** را که غیر دانشگاهی است، بنیان گذاشتند. از آنجا که انجمن حسابداران خبره ایران تنها تشکل حرفه‌ای به‌شمار می‌آمد، بنابراین همه حسابداران، اعم از دانشگاهی و غیردانشگاهی به عضویت آن در آمدند. **مجله حسابدار** ارگان رسمی این انجمن است که در کنار اخبار و نظرگاه‌های انجمن به ارائه نوشتارهای علمی و فنی نیز می‌پردازد. در ایران تا کنون در حوزه حسابداری هیچ‌گونه انجمن علمی وجود نداشته است، اما خوشبختانه با کوشش‌های تنی چند از همکاران دانشگاهی، در حال حاضر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و اداره ثبت شرکتها تأسیس **انجمن علمی حسابداری** را به ترتیب تصویب و ثبت کرده‌اند. این انجمن از مهرماه ۱۳۸۱ رسماً فعالیتش را آغاز خواهد کرد. علت تأخیر تأسیس این انجمن را باید در کم‌شمار بودن تعداد اعضای هیئت‌علمی دائمی در دانشگاهها دانست. از این لحاظ، رشته حسابداری با رشته‌های فیزیک، شیمی، ریاضی و حتی اقتصاد و مدیریت قابل مقایسه نیست. در واقع، اکثر همکاران ترجیح می‌دادند کار حرفه‌ای انجام دهند و در کنار آن به کار آموزش بپردازند.

و صاحب‌نظر بود و اندیشه‌های جدید را براهی می‌پذیرفت. از این نظر، ایشان الگوی ما بود و هست. مرحوم دکتر علی وثوق نیز از این که درس نظریه حسابداری به برنامه آموزشی اضافه شود، حمایت کرد و به این ترتیب بود که ۶ واحد درسی برای نظریه حسابداری در برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد گنجانده شد.

اوایل برایم بسیار مشکل بود که نظریه حسابداری را تدریس کنم؛ اما بتدریج وقتی جوانها با این مباحث آشنا شدند، خودشان بزرگترین مشوق من بودند. یکی از کارهای بسیار مؤثر در این دوره‌ها این بود که من از دانشجویان می‌خواستم یک مقاله پژوهشی یا نظری ارائه دهند و این امر آنها را به نوشتن وادار می‌داشت. بتدریج نویسندگان جوان و جویبار نام سربرآوردند. در آن زمان، من هم جوان بودم و در تمام دانشگاههایی که دوره کارشناسی ارشد برپا شده بود، درس نظریه حسابداری را ارائه می‌کردم. به این ترتیب، هیچ‌یک از دانشجویان نمی‌توانستند از روی کارهای دیگری مقاله ارائه دهند. زمان اثرگذاری اندیشه و آرمان اصلی من فرا رسیده بود. دانشجویان و همکاران رشته حسابداری بتدریج به بحث‌هایی غیر از فنون و روشهای خاص حسابداری پرداختند. آنها همچنین در مباحث حسابداری از نظریه و استدلالهای اقتصادی، مالی و دیگر رشته‌ها استفاده کردند. در حقیقت گفتمان نظریه حسابداری آغاز شده بود و اثرگذار هم می‌نمود. دانشجویان می‌کوشیدند به دلایل زیربنایی و چرایی استانداردها و فنون حسابداری پی ببرند. بدین ترتیب از آموخته‌های نظری در انتخاب روشهای حسابداری بهره گرفتند. علاوه، باور کردند که آنچه وجود دارد وحی منزل نیست و می‌توان بنا به ضرورت، آن را تغییر داد.

یک محیط آموزشی پویا و مولد است، انجام گیرد. دلیل نبود یا ضعف رابطه میان حرفه، صنعت و کسب و کار با دانشگاهها در این واقعیت ریشه دارد که دانشگاهها به‌صورت مداوم به وارد کردن دانش مبادرت ورزیده‌اند، اما در نقطه مقابل هنوز بستر کافی در صنعت و کسب و کار برای عمل به این دانش فراهم نیامده است. از سوی دیگر، صنعت و کسب و کار نیز با مشکلاتی رو به‌رست که از نظر دانشگاهیان باید قاعده‌تاً تا کنون حل و فصل شده باشد؛ زیرا بخشی از مسائلی به‌شمار می‌آیند که به ۱۰ یا بیش از ۱۰ سال پیش تعلق دارند.

## حسابرس

نسل دانشگاهی امروز، از نقش شما در برپایی و برگزاری دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری مطلعند. چه عواملی را در شکل‌گیری چنین دوره‌هایی مؤثر می‌دانید؟ و اساساً برگزاری این دوره‌ها چه منافعی برای آموزش و عمل حسابداری به‌دنبال داشته است؟

## دکتر ثقفی

زمانی که من به ایران بازگشتم درس **نظریه حسابداری** را برای نخستین بار در دانشکده حسابداری و علوم مالی شرکت نفت ارائه کردم. در آن زمان، آقای **دری اصفهانی** که زحمات زیادی برای حرفه‌ای کردن دانشجویان حسابداری متحمل می‌شد، از تفکرات و دیدگاههای من حمایت کرد. به‌خاطر دارم که با تمام توانم می‌کوشیدم تا دانشجویان را با مفاهیم جدید آشنا کنم. اما دیری نگذشت که پی بردم دانشجویان ایرانی کلاً با مفاهیم نظری حسابداری بیگانه‌اند. آنها اصلاً تصور نمی‌کردند که دوره‌های دکتری حسابداری در دانشگاههای خارج از کشور وجود داشته باشد. در هر حال در دو سه ترمی که آنجا مشغول به تدریس بودم، کوشیدم بتدریج تعدادی از دانشجویانی را که مصدر مشاغل مهمی هم بودند، با این مفاهیم آشنا کنم. از همانجا به این اندیشه افتادم که باید درس نظریه حسابداری را در دوره‌های کارشناسی ارشد گنجانند. یادم هست با مرحوم حسن سجادی‌نژاد نشستهای متمادی و متعددی داشتم. وی حقیقتاً فردی خوش‌فکر



افزون بر این، در گذشته رشته حسابداری در دانشگاههای انگشت‌شماری دایر بود، اما امروز وضع تفاوت کرده است. رشته حسابداری در بیشتر دانشگاههای دولتی و آزاد و همچنین دانشگاه پیام نور تأسیس شده و تعداد اعضای هیئت علمی حسابداری آنها نیز به بیش از یکصد نفر رسیده است. بنابراین، امروز می‌توانیم انجمن علمی حسابداری را برپا کنیم و این انجمن می‌تواند با پذیرش اعضای ناپیوسته فعالیتش را رسماً آغاز کند. برای اینکه این انجمن پا بگیرد، وزارت علوم هم مقداری کمک مادی به ما کرده است. متأسفانه امکانات انجمنهای علمی ما بسیار ضعیف است، بنابراین نباید انتظار داشت که حتماً این انجمن خیلی زود بتواند پژوهشهایی به انجام رساند. حتی انجمن ریاضی که از قدمت زیادی برخوردار است و بیش از ۴۰ سال از تأسیس آن می‌گذرد و استادان بسیار بزرگواری در رده‌های جهانی در آن عضویت داشته و دارند نیز همواره با مشکلات مالی رو به‌روست. البته انجمن ریاضی تا کنون حاصل پروژه‌های گوناگونی را چاپ کرده است، اما اکثر آنها را عمدتاً اعضا به هزینه شخصی خود به ثمر رسانده‌اند.

با این حال، طی چند سال اخیر وزارت علوم از انجمنهای علمی، حمایت‌های زیادی به‌عمل آورده است. مثلاً انجمنهای ریاضی، شیمی و فیزیک از بنیه مالی نسبتاً قوی برخوردار شده‌اند و همه ساله همایشهای بین‌المللی برگزار می‌کنند و هر کدام دارای مجلات علمی-پژوهشی هستند. در حالی که در سالهای اخیر و بخصوص پس از دوم خرداد، تأسیس جوامع و سازمانهای حرفه‌ای و علمی غیردولتی و غیرانتفاعی رشد بسزایی یافته است، این نوع جوامع بسختی شکل می‌گیرند، بسختی می‌توانند فعالیت خود را آغاز کنند و پس از آن بندرت می‌توانند به حیات خود ادامه دهند، زیرا فردی می‌تواند به عضویت این جوامع درآید که بتواند منافع فردی خود را با منافع گروهی هماهنگ کند. به‌عبارتی، به‌خردورزی گروهی ایمان داشته باشد و این در ایران کار مشکلی است؛ چون فردگرایی، بندرت پذیرای خردورزی گروهی است. اما به شما نوید می‌دهم که ما می‌توانیم مانند دیگران منافع فردی و جمعی

را هماهنگ کنیم و بزودی به این وضع عادت خواهیم کرد و این نوع جوامع در تمام عرصه‌های زندگی ما، بخصوص در عرصه‌های علمی و حرفه‌ای نهادینه خواهد شد. ما با تشکیل گروهها در یک جا جمع می‌شویم و پیوند منافع فردی ما می‌تواند حمایت بیشتری را از منافع فرد ما فراهم آورد.

### حسابرس

آیا اهداف و فعالیتهای انجمن علمی حسابداری تعیین شده است؟



### دکتر ثقفی

اساسنامه انجمنهای علمی عموماً یک شکل است. اهداف همه آنها، و از آن جمله انجمن علمی حسابداری، گسترش دانش است. بنابراین بین اهداف و فعالیتهای مندرج در اساسنامه انجمن علمی ریاضی و انجمن علمی حسابداری تفاوت زیادی وجود ندارد. در مهرماه سال جاری خلاصه‌ای از اساسنامه انجمن، منتشر خواهد شد.

### حسابرس

در خارج از کشور، در حوزه علم و عمل حسابداری، انجمنهای متعددی وجود دارند که از آن میان می‌توان به انجمنهای دانشگاهیان حسابداری، حسابداران رسمی، مدیران مالی، حسابداران مدیریت، خزانهداران، و حسابرسان داخلی اشاره کرد. اینها معمولاً مجلات و نشریات متعددی را به چاپ می‌رسانند. اما متأسفانه از این حیث

وضعیت ما بسیار متفاوت است. به‌نظر شما علت چیست؟

### دکتر ثقفی

حق با شما است. در آنجا انجمنهای مختلفی وجود دارد. اما در ایران هنوز انجمن‌گرایی و کار گروهی رایج نشده است.

### حسابرس

با این که چندین سال از برپایی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری می‌گذرد و هر ساله تعداد کثیری پایان‌نامه‌های پژوهشی در دانشگاههای مختلف عرضه می‌شود، اما هنوز نتوانسته‌ایم میان نیازهای صنعت و کسب و کار و این پایان‌نامه‌ها ارتباط منطقی برقرار کنیم؛ یعنی پژوهشهای کارشناسی ارشد و دکتری عموماً برگرفته از نیازهای عملی نیست. آیا انجمن علمی حسابداری ایران می‌تواند در این زمینه نقش‌آفرینی کند؟

### دکتر ثقفی

امیدوارم؛ اما مسائلی که در جامعه ما وجود دارد بسیار پیچیده است و طبیعی است که توان علمی و تجربی یک دانشجو در دوره کارشناسی ارشد و حتی دکتری آنقدر نیست که بتواند به تنهایی در مدت معینی مثلاً ۶ ماه، یکسال یا کمی بیشتر کاری سترگ صورت دهد. از طرف دیگر، انجام پایان‌نامه به‌صورت مشترک یعنی در گروههای ۲ یا ۳ نفری هنوز در جامعه ما رایج نشده است؛ بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری آثاری عمیق باشند یا بتوانند گرهی از مشکلات بکشایند. مگر این که دانشجو یک نابغه باشد و بتواند به‌تنهایی در عرض ۱ تا ۲ سال یک شاهکار پدید آورد.

بخش عمده مشکل به جامعه باز می‌گردد. اگر بر فرض مثال پایان‌نامه برخوردار از پشتوانه‌های منسجم علمی هم وجود داشته باشد، هیچ‌گاه در عمل پیاده نخواهد شد. اگر انجمنها تخصصی‌تر شوند و به پروژه‌های پژوهشی بپردازند و به این منظور، از دانشجویان دوره دکتری یا استادان استفاده کنند، آن وقت تا حدودی می‌توان بین نیازها و نتایج، ارتباط و سازگاری برقرار کرد.

## حسابرس

اجازه دهید سؤال قبلی را این‌طور طرح کنم. آیا انجمن علمی حسابداری که اعضای هیئت علمی دانشگاهها نیز به عضویت آن در خواهند آمد، قادر خواهد بود نیازهای جامعه و پژوهشهای دانشگاهی را همسو کند؟ آیا این انجمن به‌عنوان یک انجمن علمی نمی‌تواند نقش هسته پژوهشی را ایفا کند؟ مثلاً اگر استادی پنج پژوهش متعدد را راهنمایی می‌کند، نمی‌تواند هر یک از آنها را به‌بخشی از یک کار بزرگتر اختصاص دهد؟

## دکتر ثقفی

تردید نیست که بین نیازهای عملی جامعه و پژوهشهای دانشگاهی همسویی وجود ندارد. افزون بر این، داده‌هایی که ما از آنها در پژوهشهایمان استفاده می‌کنیم، عمدتاً با مشکل رو به‌روست و در صحت و درستی آنها شبهه وجود دارد. به‌همین دلیل، نتایج به‌دست آمده نیز احتمالاً دچار تورش و خطاست. مسئله مهم دیگر این است که پژوهشها نیز اغلب هزینه زیادی دارند و متأسفانه هیچکس حاضر نیست این هزینه را تقبل کند. استادان دانشگاه هم به‌قدری حقوقشان کم است که با آن فقط می‌توانند به‌زحمت زندگی خود را اداره کنند. بنابراین وقت و پولی باقی نمی‌ماند که به پژوهش اختصاص داده شود. از این‌رو، اول باید یک جایی مایه بگذارد و مخارج پژوهشها را بپذیرد. انجمن علمی که نمی‌تواند مجانی کار بکند؛ به‌عبارتی باید صنعت، کسب و کار، وزارتخانه‌ها و سازمانها نیازهای خود را به‌صورت پروژه‌های پژوهشی به مراکز پژوهشی یا انجمنهای علمی ارائه دهند و هزینه‌های آن را نیز تقبل کنند. در حال حاضر، استادان دانشگاهها پژوهشهایی را که خود به‌تنهایی قادر به انجام آنها نیستند، برای بسیاری از واحدهای تجاری انجام می‌دهند. بدین وسیله، هم امرار معاش می‌کنند و هم می‌توانند علائق قلبی خود را به ثمر برسانند. در دانشگاهها بوروکراسی وجود دارد. البته وضع در دانشگاه صنعتی شریف متفاوت است. در آنجا قبول کرده‌اند که بخش اعظم کار را بدون سپری کردن تشریفات اداری دست و پاگیر انجام دهند. اما چنین رویکردی در

دانشگاههای دیگر پذیرفته نشده است و از جایگاهی نیز برخوردار نیست. ریشه بوروکراسی را در دانشگاهها باید خشکاند.

## حسابرس

نظر شما در باره نقش سازمان حسابداری در اعتلای آموزش حسابداری و حسابداری چیست؟ و وضعیت منابع درسی رشته حسابداری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

## دکتر ثقفی

پس از تشکیل سازمان حسابداری یکی از اقدامات خوبی که این سازمان توانست انجام بدهد تأسیس مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابداری بود. مرکز تا کنون توانسته است تعداد قابل توجهی نشریه منتشر کند. تعدادی از این نشریات به‌عنوان مرجع درسی معرفی و سبب شدند تا استادان طبق این مراجع و نه سلیقه شخصی، به تدریس بپردازند. بنابراین، اگر بخواهم خلاصه کنم اولاً، سازمان حسابداری کتابهای درسی مطلوبی را منتشر کرده است و ثانیاً، این کتابها به‌عنوان مرجع دانشگاهی شناخته شده‌اند. البته بیشتر این کتابها در سطح کارشناسی مورد استفاده است. به سازمان حسابداری توصیه می‌کنم یک دوره کامل کتاب حسابداری میانه شامل میانه ۱ و میانه ۲ تهیه کند. کتاب حسابداری میانه باید مبتنی بر استانداردهای حسابداری ایران باشد. بعلاوه، توصیه می‌کنم که دوره کامل کتابهای حسابداری پیشرفته که خوشبختانه هم اینک موجود است بر اساس استانداردهای حسابداری، بازنویسی شود. توصیه دیگر من این است که در فرایند تدوین استانداردهای حسابداری، تأکید را از استانداردهای بین‌المللی بردارند؛ به روشها و استانداردهایی که براساس نحوه عمل موجود

است، مراجعه شود. اساساً بر این باورم که در تمام کتابها، از این پس باید استانداردهای ملی حسابداری وارد شود. خدمات بزرگی را سازمان حسابداری به آموزش حسابداری داده است که به‌جرت می‌توان گفت هیچ سازمان یا نهاد دیگری در ایران به پای آن نمی‌رسد.

البته نشر کتاب در انحصار سازمان حسابداری نیست و نویسندگان دیگری نیز کتابهای درسی دانشگاهی تهیه و ارائه کرده‌اند که برخی از آنها بسیار معتبر و همسنگ با آثار سازمان حسابداری است. این امر باعث می‌شود که هم سازمان حسابداری و هم سایر نویسندگان در تهیه کتابها دقت بیشتری به‌خرج دهند. در هر حال امیدوارم که این روال و جریان مثبت ادامه پیدا کند.

## حسابرس

آیا ضرورت دارد که هم سازمان حسابداری و هم نویسندگان مستقل، کتابهای درسی دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد را براساس استانداردهای حسابداری و حسابداری ایران بازنویسی یا تهیه کنند؟ و آیا استادان باید محتوای دروس را براساس این استانداردها ارائه دهند؟

## دکتر ثقفی

البته؛ اما من در همه دانشگاهها دخالت ندارم. ولی آنچه مسلم است در دانشگاه علامه طباطبایی و بنا به توصیه من و برخی از همکارانم در دانشگاه تهران و یکی، دو دانشگاه دیگر، استادان ملزمند تمام استانداردهای حسابداری و حسابداری ایران را در دروسشان پوشش دهند. مطمئن باشید اگر همانند گذشته، من باز هم سهمی در طراحی آزمونهای ورودی کارشناسی ارشد رشته حسابداری داشته باشم، می‌کوشم تعداد قابل توجهی پرسش از استانداردهای حسابداری و حسابداری ایران مطرح کنم. حتی در آزمون ورودی دوره دکتری حسابداری نیز چنین خواهم کرد. بدین صورت استادان می‌کوشند تا دانشجویان خود را با استانداردهای حسابداری و حسابداری ملی آشنا کنند. من به تمام همکارانم در تمام دانشگاهها توصیه می‌کنم که حتماً استانداردهای حسابداری و

بین نیازهای عملی  
جامعه و  
پژوهشهای  
دانشگاهی  
همسویی وجود  
ندارد

حسابرسی ملی را به‌ویژه در دروس حسابداری میانه، حسابداری پیشرفته، مباحث جاری حسابداری و اصول حسابرسی پوشش دهند؛ چرا که، وقتی دانشجویان دانشگاه را ترک می‌کنند، باید این استانداردها را کاملاً آموخته و بر آنها مسلط باشند.

البته هنوز زود است دانشگاهها را مجبور کنیم که حتماً مفاد استانداردهای حسابداری و حسابرسی را تعلیم دهند. باید صبر کنیم، زیرا فرایند تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی در کشور ما هنوز جوان است. هنوز صنعت و کسب و کار متوجه این پدیده نشده است. این فرایند همانند فرایند شکل‌گیری جامعه حسابداران رسمی ایران است. با این که تا کنون دهها آگهی در روزنامه‌ها درباره آن به چاپ رسیده است، اما هنوز شرکتها با آن بیگانه‌اند. استانداردهای حسابداری و حسابرسی قانونی است و همه باید آنها را اجرا کنند. با وجود این، هنوز کاملاً به این استانداردها اقبال نشان نمی‌دهند. دانشجویان باید استانداردهای حسابداری و حسابرسی را پس از دانش‌آموختگی اشاعه دهند.

### حسابرس

آیا روزی خواهد رسید که در کلاسهای دانشگاهی به جای اشاره به استانداردهای حسابداری و حسابرسی آمریکایی و استانداردهای حسابداری و حسابرسی انگلیسی فقط به استانداردهای حسابداری و حسابرسی ملی ارجاع داده شود؟

### دکتر ثقفی

من با حذف آموزش استانداردهای کشورهای دیگر مخالفم. در واقع، معتقدم ضمن تأکید بر استانداردهای حسابداری و حسابرسی کشورمان، باید به استانداردهای سایر کشورها نیز پرداخت. قطعاً دانشجویان دوره کارشناسی باید در درجه اول با استانداردهای ملی آشنا شوند تا از دانش لازم برای ورود به بازار کار برخوردار باشند، اما با این نظریه که دانشجویان با آثار هیئت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB) و هیئت استانداردهای حسابداری انگلستان (ASB) و هیئت استانداردهای بین‌المللی

**حسابداری (IASB)** آشنا نباشند، موافق نیستم. چرا که آثار این مراجع، مبنای تهیه استانداردهای حسابداری و حسابرسی در کشور ما و بسیاری از دیگر کشورهای جهان است؛ ما خود پستوانه پژوهشی کافی برای استانداردها فراهم نکرده‌ایم. اگر این پستوانه را فراهم کرده بودیم، اکنون هم نیازی به رجوع به کارهای دیگران نداشتیم.

### حسابرس

از آنجا که شما بانی و پیشکسوت دروس نظریه حسابداری و اساساً تفکر نظری حسابداری در ایران هستید، می‌خواهیم بدانیم از میان دروس گوناگون سطوح مختلف رشته حسابداری به کدام درس علاقه بیشتری دارید؟

### دکتر ثقفی

قطعاً من به نظریه حسابداری و حسابداری مدیریت علاقه بیشتری دارم و هم اکنون نیز دروس مربوط به این دو را در مقطع دکتری و

چیز دوست دارم با پایان‌نامه‌های دکتری و کارشناسی ارشد که من راهنمای آنها هستم این نظریه‌ها را آزمون کنم. در واقع، آزمون این نظریه‌ها در پژوهشهای دانشگاهی ایران و نیز شناسایی محدودیتهایی که پیرامون این آزمونها وجود دارد برایم دارای اهمیت است. دوست دارم حاصل این آزمونها را در کتابی به رشته تحریر درآورم و به جوانان علاقه‌مند واگذارم. البته ناگفته نماند که سالها نیز دروس حسابرسی را تدریس کرده‌ام؛ ولی امروزه تأکیدم بر دروس نظریه حسابداری و حسابداری مدیریت است.

### حسابرس

دیدگاه شما در مورد محتوای درس نظریه حسابداری در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری چیست؟ چه عواملی می‌تواند دانشجویان را نسبت به درک هر چه بهتر درس نظریه حسابداری کمک کند؟ وضعیت این درس در ایران در قیاس با کشورهای دیگر چگونه است؟

### دکتر ثقفی

در دوره‌های کارشناسی ارشد اگر دانشجویان با زبان انگلیسی آشنا باشند و دو کتابی را که اخیراً آقایان **دکتر رضا شباهنگ** و **دکتر علی پارسائیان** به چاپ رسانده‌اند، مطالعه کنند قطعاً می‌توانند با نظریه‌های معتبر حسابداری آشنا شوند. اما در دوره دکتری وضع فرق می‌کند، زیرا فرض بر این است که دانشجویان با نظریه‌های حسابداری آشنا هستند و فقط باید مقاله بخوانند و بنویسند. اما متأسفانه در این زمینه مشکل وجود دارد؛ زیرا به‌دشواری می‌توان به مقالات نظری دست یافت. حتی اگر مقالاتی هم پیدا شود، مشکل می‌توان آنها را مطالعه کرد. در واقع، با کمبود منابع اصیل برای مطالعه در دوره دکتری رو به‌رو هستیم. امیدوارم با همت و تلاش دانشجویان و همکاران عزیز بتوانیم ضمن ارائه دیدگاهها و تفکرات بنیادی حسابداری در دوره دکتری، در اشاعه و ترویج آن نیز موفق شویم.

### حسابرس

آیا باید انتظار داشت که میان نظریه





# استانداردهای حسابداری و حسابرسی قانونی است و همه باید آنها را اجرا کنند

در جاده بی‌پولی طی طریق خواهند کرد. اگر با عشق و علاقه به این دوره پا نگذاشته‌اند، بهتر است از ابتدا آن را رها کنند و به دنبال کار دیگری باشند. این را بدانند که محیط تجارت و کسب و کار ایران به‌گونه‌ای است که سطح کارشناسی و کارشناسی ارشد پاس‌خگوی نیازهاست. این را بدانند که تحصیل در دوره دکتری نیازمند عشق به تحقیق، تفحص، کنکاش، تدریس و تعلیم و حضور جدی در عرصه علم و دانش است. این افراد نباید انتظار یک زندگی مرفه و تجلی را داشته باشند؛ تنها انتظار یک زندگی متعارف را داشته باشند که در آن عشق به یادگیری و یاد دادن حرف اول را می‌زند. خلاصه اگر عاشق نیستند بهتر است به فکر ورود به عرصه دوره دکتری نباشند؛ چرا که مادیاتی در کار نیست.

## حسابرس

و توصیه و پیام شما به دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و کارشناسی؟

## دکتر ثقفی

یکی از مشکلات اصلی دانشجویان ما در این مقاطع، غرق شدن در تفکرات مادی است. این نوع تفکر و شیوه زندگی با حال و هوای دانشجویی ناسازگار است. دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد باید در حد توان و بضاعت خود به مطالعه منابع مرجع بپردازند و این محقق نمی‌شود مگر آن که بر آشنایی و دانش خود به زبان انگلیسی بیفزایند. کسب توانمندی و مهارت در زمینه نگارش لازمه کار آنهاست چرا که در محدوده حسابداری، توجه به ابعاد گزارشگری و تنظیم گزارشها بسیار حائز اهمیت است. به این دانشجویان توصیه می‌کنم که استانداردهای حسابداری و حسابرسی را به‌گونه‌ای مطلوب فرا بگیرند زیرا آینده حرفه‌ای آنها در گروی تسلط بر این استانداردهاست.

از سوی دیگر، مناسب خواهد بود که ارتباط میان بنگاههای اقتصادی و دانشگاهها در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد تقویت شود. از این طریق می‌توان زمینه آشنایی دانشجویان این مقاطع را با

بر آنها، ضرورتی انکارناپذیر است.

همچنین اعلام می‌کنم که تمام دانشجویان باید توان نگارشی خود را افزایش دهند و در این زمینه فعال شوند؛ تنها از این طریق است که می‌توان نظریه‌ها را در معرض چالش و نقد قرار داد و تنها از این راه است که نظریه‌ها پرورده و آزموده می‌شود. طی شدن یک دوره گذار که صبر و حوصله بسیار می‌طلبد، سرانجام ما را به سرمنزل مقصود خواهد رساند و در آنجا ما به نظریه حسابداری ایران دست می‌یابیم.

## حسابرس

با طرح این مطلب از سوی شما، خواهشمندیم پیام و توصیه مشخص خود را به دانشجویان دوره دکتری اعلام فرمائید؟

## به دانشجویان توصیه

## می‌کنم که استانداردهای

## حسابداری و حسابرسی

## را به‌گونه‌ای مطلوب

## فراگیرند زیرا آینده

## حرفه‌ای آنها در گروی

## تسلط بر این

## استانداردهاست

## دکتر ثقفی

دانشجویان دوره دکتری بدانند که تا مدتی

حسابداری در کشورهای مختلف جهان تفاوت وجود داشته باشد؛ به بیان دیگر، آیا نظریه حسابداری در انگلستان با نظریه حسابداری در آمریکا تفاوت دارد؟ و اگر چنین است، آیا می‌توان امیدوار بود که روزی به نظریه حسابداری خاص ایران دست یافت؟

## دکتر ثقفی

پاره‌ای از دیدگاهها و آرای موجود در عرصه نظریه حسابداری، جنبه پایه‌ای دارد، عمومی است و در تمام محیطهای اقتصادی قابل اجراست، و از این‌رو، خاص یک کشور نیست. اما هنگامی که پیرامون مباحث خاص نظریه حسابداری بحث می‌شود، نباید از وجود تفاوتها تعجب کنیم. ساختارها و بنیادهای اقتصادی کشورهای مختلف متفاوت است. بازار سرمایه و سایر بازارهای کشورهای مختلف مشابه نیستند. بدیهی است این تفاوتها سر منشا شکل‌گیری نظریه‌های متفاوتی در حسابداری می‌شود. در ایران ما هنوز در ابتدای راه هستیم و قادر به نظریه‌پردازی نیستیم. شاید روزی مثلاً ۲۰ سال بعد بتوانیم با تشکیل محافل نظریه‌پردازی به این آرمان جامه عمل بپوشانیم.

## حسابرس

به‌نظر شما، عوامل مؤثر بر تسریع فرایند نظریه‌پردازی حسابداری در ایران چیست؟

## دکتر ثقفی

دانشگاهها باید به ابعاد نظری حسابداری توجه بیشتر داشته باشند و استادان و مدرسان نیز مطالعات و بررسیهای گسترده‌تری را در عرصه نظریه حسابداری انجام دهند و از این طریق می‌توان انتظار داشت که بتدریج محافل نظریه‌پردازی فعال شوند. یکی دیگر از عوامل مؤثر بر شتاب بخشیدن به این فرایند، معرفی رشته حسابداری به‌صورت جدی در جامعه و تشویق دانشجویان ممتاز به حضور در عرصه این حوزه از دانش است. رشته ما نیاز به دانشجویان متعصب دارد؛ دانشجویانی که با سخت‌کوشی و تحمل مرارت، آینده این رشته را رقم بزنند. در این راستا، برخورداری از توان علمی در ریاضیات و آمار و تحلیل‌های مبتنی

آرزو دارم فصلنامه حسابرس همچون گذشته در تحقق رسالت خویش پیروز و سربلند باشد.

سامانه‌های مالی و اطلاعاتی این نگاهها فراهم کرد و آنها را آماده ورود به عرصه صنعت و کسب و کار ساخت. البته ارتباط دانشجو با محیط کسب و کار باید در یک محدوده تعریف شده باشد؛ به حدی نباشد که آنها را گرفتار کند و از مسیر اصلی باز دارد. اصل بر مطالعه جدی دروس است. به این دانشجویان پیشنهاد می‌کنم علاوه بر دروس خود، به مطالعه روزنامه‌ها، مجلات، و جراید اقتصادی و مالی نیز بپردازند و در حال و هوای مسائل روز اقتصاد کشور باشند. یکی از نارساییهای اصلی دوره‌های آموزشی ما فقر دانش مدیریت و اقتصاد در دانشجویان حسابداری است؛ این دروس باید جدی گرفته شود. آمیزه‌ای از اقتصاد، مدیریت و حسابداری است که می‌تواند دانش‌آموختگان حسابداری را به اوج دانش و تجربه برساند.

### حسابرس

و به اعضای جامعه حسابداران رسمی و حرفه حسابرسی، چه توصیه‌ای در زمینه آموزش حرفه‌ای مستمر دارید؟

### دکتر ثقفی

البته این توصیه نیست؛ بلکه اجبار است. با فعال شدن جامعه و کار گروه‌های آن، تأکید مضاعفی برای آموزش حرفه‌ای مستمر قرار خواهد گرفت. یک توصیه شخصی برای اعضای حرفه دارم؛ هر آنچه به‌عنوان اندوخته ذهنی دارید در اختیار دیگران قرار دهید؛ آموزش تجربیات سبب می‌شود تا اعضای حرفه، خود بیشتر یاد بگیرند و مطالعه کنند. اگر بخواهند که دانش را تنها برای خود حفظ کنند و به دیگران آموزش ندهند، بدانند که هر دانشی روزی کهنه، منسوخ و در نهایت از جریان خارج می‌شود. خلاصه آن‌که، به دیگران بیاموزید تا خود بیشتر یاد بگیرید.

### حسابرس

از حوصله شما برای انجام این گفتگو تشکر می‌کنیم و آرزوی توفیق و سلامتی روزافزون برای شما داریم.

### دکتر ثقفی

من هم از شما و همکارانتان تشکر می‌کنم و

